

نگاهی به اول ماه مه ۲۰۱۴

حمید قربانی

اول ماه سال ۲۰۱۴ را در حالی پشت سر گذاشتیم که جهان سرمایه داری که در بالاترین مرحله رشد خود، متمرکزترین و در عین حال گنبدیده ترین، پوسیده ترین و جنگ طلب ترین مرحله خویش یعنی امپریالیسم گسترش یابنده و تعمیق یافته قرار دارد و در یکی از بحرانی ترین دوران تا کنونی خود بسر می برد. مفسران و نظریه پردازان نظام سرمایه داری که بر پایه ی مالکیت خصوصی و بویژه بر ابزار تولید قرار دارد که ضامن سودبری عده ای انگل و نالازم و زائد در جامعه انسانی است و استثمر میلیاردری کارگران و زحمتکشان، همین ۲۰ سال قبل رجز خوانی می کردند و حتی باصطلاح کمونیست ها را به رد تئوری امپریالیسم و سازش با سرمایه داران به گفته ی خودشان غربی رساندند، همه گیج و منگ شده اند و راه چاره ای جز دستور حمله و قیحانه تر و سبعانه تر به سطح زندگی نازل کنونی کارگران ندارند. این، بطور واقعی و نه ایدئولوژیک جامعه را در مظان بربریت و توحش سازمان یافته و بی پایان تا مرز نابودی بوسیله سرمایه داران و یا کمونیسم کارگران (کمونیسم حرکت کارگران برای لغو شرایط موجود اجتماعی است- مارکس انگلس) قرار داده است. این، کارگران را بیش از پیش به درک خود انگیخته (برخیزید داع لعنت خوردگان، هیچ بودگان امروزی.) نزدیکتر کرده است و از اینجاست، ما شاهد مبارزات فداکارانه و قهرمانانه هستیم.

آری، درست، در چنین دوران هائی است که جامعه انسانی در برابر دو سرنوشت و دوره حل کاملاً متفاوت و در برابر هم قرار می گیرد، پیروزی هر کدام که پیروزی طبقات مختلف تعیین کننده در نظام موجود می باشد، جهان و نیز بشریت را در دو مسیر جداگانه قرار می هد، یکی ادامه زندگی همراه و متوازن با طبیعت است و دیگری تباهی و مرگ انسان و نیز ویرانی طبیعت و محیط زیست عمومی است. اولی راه حل نهائی کارگران است و دومی راه حل موقتی و ویرانگرانه سرمایه داران است. به این دو راه حل که در اول ماه مه امسال خیلی روشن خودشان را در عمل و گفتار بیان کردند، نگاهی در حد توان می اندازم.

اول اینکه در جامعه طبقاتی تا کنونی برده داری و فئودالی در اشکال مختلف یعنی تولید آسیائی و غیره، دو طبقه اصلی موجود بوده و هستند. در نظم موجود نیز طبقه ی اصلی تولید کننده نظم موجود یعنی پرولتاریا هست که امروزه همراه سیستم موجود اجتماعی- سرمایه داری و طبقه سرمایه دار بطور واقعی جهانی شده است. این طبقه هست که بعنوان نیروی پیش برنده جامعه کنونی و تبدیل آن به جامعه ای بنیاداً متفاوت با جوامع طبقاتی تا کنونی، می تواند با

سازمان دادن خویش در تشکلات توده ای طبقاتی و بویژه در ارگان سیاسی خویش، بعنوان وسیله ای که بدست کارگران آگاه ایجاد گردیده و برای کارگران و دفاع از منافع کارگران می باشد، یعنی حزب کارگران آگاه، کارگران کمونیست به یک معنی ستاد سیاسی نظامی جنگ طبقاتی پرولتاریا بر علیه طبقه سرمایه دار و دولت اش است و با ارتقاء مبارزات طبقاتی موجود و تبدیل آن ها به یک انقلاب اجتماعی همه جانبه که به ناگزیر بویژه در شرایط کنونی با این همه نیروی سازمان یافته ی طبقه ی مقابل، مسلحانه و قهر آمیز خواهد بود و با درهم شکستن دولت قدیم و تأسیس دولت کارگران یعنی دیکتاتوری پرولتاریا در شکل شورائی و یا کمونی آن ویا...، راه را برای رهائی نهائی انسان از جامعه طبقاتی که بر اساس مالکیت خصوصی بویژه بر ابزار تولید مادی و معنوی است، آماده می کند و خود دولت را بعنوان ابزاری که اساساً برای سرکوب طبقه ی تولید کننده بوسیله طبقه استثمار کننده بوده، با از میان برداشتن پایه های جامعه طبقاتی یعنی مالکیت خصوصی در تمامی اشکال آن، غیر ضروری کرده و پس بعنوان یک وسیله بدون استفاده مضمحل می شود و انسان رها می گردد و با طبیعت اُخت می شود و یا اینکه باز هم سرمایه داری موجود یعنی امپریالیسم با اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی باز هم بیشتر و عمیق تر یعنی تحمیل بیکاری، ناداری، فلاکت بیشتر و بالا بُردن درجه استثمار و پائین آوردن استانداردهای زندگی که امروزه می بینیم و ادامه دادن و رساندن آن به حد مرگ برای اکثریت ساکنین جهان، گریبان خود را از بحران موجود می رهند و اگر موفق نشد، در نهایت با گسترش بربریت و توحش سازمان یافته کنونی یعنی بوجود آوردن جنگ هائی در سطح وحشتناکتر یعنی تبدیل جنگ های موجود منطقه ای و کشوری به یک جهان جهانی و از بین بردن مقدار متناهی ی بیشتر از قبل تولیدات اجتماعی یعنی کالا و نیروهای تولیدی که بخش اصلی آنرا خود طبقه ی کارگر تشکیل می دهد، دوباره جامعه را بر همان شرایط سابق یعنی سرمایه داری یعنی استثمار اکثریت ساکنین روی کره زمین و در شرایط سیاسی دیکتاتور منشانه و خفقان سیاسی تر از قبل، قرار می دهد و به قول کارل مارکس شرایط را برای یک بحران شدیدتر و نابود کننده تر نوین و با شرایط و با امکانات کمتر برای رها شدن از آن در آینده مهیا می کند. در چنین بحران تعمیق یافته ای که به بحران ساختاری اساساً ناشی از اضافه تولید، به معنی اینکه فروش کالا در بازار رقابتی انحصاری، سود مورد نظر سرمایه دار را تأمین نمی کند، برای سرمایه هیچ مهم نیست و نمی تواند باشد که چه تعداد انسان کشته می شوند و جهان چه سرنوشتی پیدا می کند، به قولی رفتار سرمایه که خود را در حرکات و اعمال برنامه ریزی شده و نشده طبقه سرمایه دار بوسیله دولت ها نشان می دهد، حالت یک جانور هاری را دارد که مجبور به نوشیدن خون است تا زنده بماند و اینکه احتمال دارد، جهان یعنی کره زمین را به نیستی بکشاند نیز نمی تواند جلوی حرکت این افعی و اژدها واقعی را سد کند، فقط حرکت سازمان یافته ی طبقه مقابل یعنی کارگر قادر است، این کار را بر سرمایه تحمیل کرده و

آنرا بعنوان یک سیستم اجتماعی اساساً سودخواه و استثمارگر در نهایت لغو نماید.

حال بینیم که طبقه کارگر امسال چه کارهایی انجام داده است؟ و به چه نیازمند است و ندارد و نیز بطور روشن هنوز طرح نکرده است؟ این را بیش از همه چیز می توان از بیانیته ها، پلاکاردها و شعارها یعنی پراکسیسمی که بدین مناسبت منتشر کرده و در روز اول ماه مه حمل کرده و فریاد کشیده و انجام داده است، درک کرد.

با یک نگاه به تظاهرات ها، متینگ ها و اعتراضات می توان فهمید و درک کرد که امسال اولاً برگزاری اول ماه مه بطور واقعی جهانی بود و شاهد اساسی آن، اینکه در خود ایالات متحده آمریکا که از اوائل قرن گذشته با دیکتاتوری مخصوص که در رأس آن سازمان های مخوف اطلاعاتی امنیتی و پلیسی مانند سیا و پلیس فدرال قرار داشته و دارند، برگزاری اول ماه مه یا ممنوع بوده و یا از یادها رفته بود و همچنین کانادا، امسال با رادیکالترین اشکال و شعارها برگزار شد. این هم قابل ذکر است، روز اول ماه مه در اساس یادگار مبارزاتی کارگران آمریکا مخصوصاً شیکاگو- در های مارکت است که اساساً برای ۸ ساعت کار در روز انجام گرفت و با حمله پلیس سرمایه، کارگران زیادی کشته و زخمی شدند و ۴ نفر از بهترین رهبران کارگران اعدام گردیدند.

دوماً، امسال شعارها و پلاکاردها تا آنجائی که من توانسته ام درک نمایم، کارگری تر و ریشه ای تر بودند و براین اساس رادیکالتر در مجموع خود بعنوان نمونه می توان به این شعارها اشاره داشت: رهائی طبقه ی کارگر بدست طبقه کارگر قابل تحقق است، بدون سرکردگی طبقه ی کارگر در مبارزه، رهائی ای در کار نیست، مرگ بر کاپیتالیسم- به برده داری پایان دهید، زنجیرهای بردگی را از هم می گسلیم، هنگامی که ثروتمند اجازه ایجاد قوانین را برای بقیه جامعه بیابد، تنها چیزی که نصیب ما می شود، فقر بیشتر است و مابقی برای خودش. نه خدا، نه آقا، نه مرز، نه طبقه. نه میهن، نه مرز نه جنگ، فقط جنگ طبقاتی. انقلاب اجتماعی و آزادی طلبانه، اعتصاب علیه امپراطوری برده داری و سرکوب آنها را باید با ضد حمله و زور جواب داد. چقدر فقیر، چقدر بی خانمان، برای غنی سازی یک فاشیست، یک کاپیتالیست مورد نیاز است؟ همبستگی بین المللی طبقه کارگر، زنده باد انقلاب-انقلاب جهانی طبقه ی کارگر، مرگ بر جنگ امپریالیستی، زنده باد کمونیسم!

سوماً از نظر پراکتیکی تظاهرات اول ماه امسال بویژه در کشورهایمانند ترکیه، اسپانیا، آمریکا، یونان، کانادا، آلمان، ایتالیا، اوکراین بخش شرق و جنوب شرقی و ... خیلی مکان های دیگر در مقابل یورش نیروهای سرکوبگر بعنوان نمونه، نوشته شده است که در شهر استانبول ترکیه ۴۰ هزار پلیس و ... به خیابانها گسیل داشته بودند، رادیکالتر بود و در برخی جاها خیابانها سنگر بندی

شدند و بوی جنک های پارتیزانی و داخلی و روزهای قیام انقلابی کارگران در هوای بسیاری از شهرهای بزرگ و متعبر سرمایه داری استشمام شد.

چهارمًا و اما، کمبود های عمده و اساسی کارگران و مدافعان آنها به باور من، عدم طرح روشن شعار سرنگونی دولت های موجود و ایجاد دولت کارگران - دیکتاتوری انقلابی طبقاتی پرولتاریا و بویژه کمبود اساسی کنونی جنبش طبقه ی کارگر برای پیروزی اش- حزب سیاسی اش و مخصوصا حزب بین المللی طبقاتی کارگران بودند که در سطح وسیع وبه طور روشن و آشکار طرح نگردیدند.

پنجم - اینکه، طبقه ی حاکمه یعنی سرمایه دار نیز مثل همیشه از دو تاکتیک اصلی یعنی گسیل سگ های زنجیری اش به خیابان برای سرکوب وحشیانه که حقیقتا سنگ تمام گذاشتند، حتی به کودکان و پیران و بیماران هم رحم نکردند و در جاهائی مثل ترکیه به خانه های مردم گاز اشک آور و خفه کننده پرتاب کردند و به زخمی نمودن کودکان در خانه هایشان پرداختند. تا آنجا که در توان داشتند و مبارزه ی جانانه مقابل از طرف کارگران و جوانان اجازه داد، زخمی کردند، گرفتند، کشتند و برای شکنجه به زندانها بُردند و از طرف دیگر سیاسیون و مؤنزه گران کلیسائی، مسجدی و کنیسه ای، نشسته بر مسند ریاست جمهوری و نخست وزیری و غیره بودند که به همراه پخش سموم ناسیونالیسم و مذهب و همچنین به خوردن زهر تعامل طبقاتی و صلح طبقاتی و ایجاد توهم و سردرگمی در صفوف کارگران پرداختند. در این رابطه می توان به باراک اوباما "این روز، روز ملی وفاداری است" نامید که با این گفته به بزرگترین توهین در رابطه با جنایات سرمایه داری به طبقه ی کارگر دست آلود، اشاره داشت و همچنین از حسن روحانی فریب کار و اطلاعاتی امنیتی یاد کرد که فرصت را برای اینکه خود را طرفدار تشکلات "مستقل" طبقه ی کارگر ایران بنامد، غنیمت شمرد و این رضالت را، درست در شرایطی مرتکب شد که کارگران فعالی چون رضا شهابی، محمد جراحی، رسول بدایغی و بویژه شاهرخ زمانی و... را درست به جرم فعالیت برای ایجاد تشکلات کارگری واقعی و کارگر ساخته در بدترین شرایط زندانی کرده و شکنجه می دهند. و نیز کارگرانی که در همین روز در چند خیابان آن طرفتر برای رساندن همین کمبود اساسی به شکلی خیلی ضعیف و درخواست های دیگری چون دستمزد که یک چهارم خط فقر موجود در جامعه است و شعار نان، کار مسکن، آرادای به گوش جامعه در سطح شهر تهران ویا دیگر شهرها تظاهرات می کردند را با شدیدترین شیوه سرکوب و روانه ون های پلیس، برای بُردن به زندان و... می کردند. البته، اکثر دستگیر شده گان را بعداً آزاد نموده اند.

با این نوشته کوتاه و می دانم ناقص و با امید اینکه طبقه ی کارگر جهانی بطور کلی و بویژه کارگران رادیکال و آگاه از همین الان در جهان و مخصوصا در ایران یک فعالیت همه جانبه مخفی و غیر علنی در کنار مبارزات جاری برای

ایجاد ارگانها و تشکلات توده ای طبقاتی متکی به طبقه کارگر و بدون دخالت سرمایه داران و دولت شان و بویژه تشکل سیاسی یعنی حزب کارگران آگاه را با نگرش شورائی در دستور به گذارند و آگاه باشیم که بدون یک مبارزه طبقاتی آگاهانه و سازمانیافته و درک اینکه متأسفانه کل طبقه کارگر در یک شرایط کاملاً مساوی از نظر مادی و معنوی و آگاهی طبقاتی در جامعه سرمایه داری نیست و به این آسانی نیز این مسیر طی شدنی نیست، بل محتاج یک فعالیت سازمان یافته، هزینه بردار و فداکارانه از جانب آگاهان موجود خود طبقه ی کارگر و فرزندان آنها و باورمندان واقعی به اینکه رهائی بدست خود طبقه کارگر است، سرنوشت ما در نهایت نابودی است. توجه شما را به سرود انترناسیونال و سرود اول ماه مه و یک جمع بندی از سایت اخبار انقلابی به زبان انگلیسی که سایتی با نگرش آنتی فاشیست و آنتی کاپیتالیست می باشد، جلب می کنم.

زنده باد اول ماه مه، روز نبرد طبقه ی کارگر بر علیه طبقه ی سرمایه دار،
مرگ بر سرمایه و دولت های سرمایه داری- امپریالیستی، پیروز باد انقلاب،
زنده باد کمونیسم!

این نوشته بروز شده ی نوشته ی کوتاهی است که نوشته و در
فس بوکم روز ۶ ماه مه درج کرده بودم.

۹ مه ۲۰۱۴

لینک سرود انترناسیونال به زبان روسی و ترجمه احمد شاملو از
م_____تن آن

<https://www.youtube.com/watch?v=PmJt9liOvLc>

سرود انترناسیونال «اوژن پوتیه

ترجمه ی احمد شاملو:

برخیزید، دوزخیان زمین!
برخیزید، زنجیریان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار میگرد
اینک! فوران نهائی ست این.
بساط گذشته بروبیم،
به پا خیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!
جهان از بنیاد دیگرگون میشود
هیچیم کنون، «همه» گردیم!
نبرد نهائی ست این،

به هم گرد آنیم
«و فردا» بین الملل
طریق بشری خواهد شد.
رهاننده برتری در کار نیست،
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب،
خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولید گران!
ارستگاری مشترک را برپا داریم
تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،
تا روح از بند رهائی یابد،
خود به کوره خویش بردمیم
!و آهن را گرماگرم بکویم
نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آنیم
«و فردا» بین الملل
طریق بشری خواهد شد.
کارگران، برزگران
فرقه عظیم زحمتکشانیما
جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بی مصرفان جای دیگری است.
تا کی از شیرۀ جان ما بنوشند؟
اما، امروز و فردا،
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.
نبرد نهائی ست این.
به هم گرد آنیم
«و فردا» بین الملل
طریق بشری خواهد شد.

لینک سرود اول ماه مه، ترکی و فارسی

<https://www.youtube.com/watch?v=XcGqptOqBpA>

گزارشات، تقسیری و تصویری اول ماه مه در سطح جهانی

<http://revolution-news.com/hundreds-arrested-beaten-police-world-wide-millions-workers-protest-injustice/>